

کسری بودجه و بدترین گزینه‌ها

آقای دکتر نجفی رئیس سازمان برنامه و بودجه در نیمه مهرماه اعلام کرد دولت برای باقیمانده سال مالی جاری با معادل ۱۹ هزار میلیارد ریال کسر بودجه مواجه است. ایشان مؤکداً یادآور شد اگر مجلس شورای اسلامی پیشنهادهای پنجگانه دولت برای تأمین کسری بودجه را تصویب نکند، پرداخت‌های دستگاه‌های دولتی، و از جمله پرداخت حقوق کارکنان دولت با اختلال مواجه خواهد شد.

سازمان برنامه و بودجه پنج منبع را برای تأمین کسری بودجه پیشنهاد کرده است.
به این قرار:

- ۱- فروش اوراق مشارکت (قرضه) تا دو هزار میلیارد ریال
- ۲- پیش فروش نفت یا استقراض از خارج تا سقف یک میلیارد دلار
- ۳- پیش فروش فیش حج تمتع به ۳۰۰ هزار نفر و از قرار هر فیش هشت میلیون ریال (جمع ۱/۱ هزار میلیون ریال)
- ۴ و ۵ - صرفه‌جویی در بودجه شرکت‌های دولتی (۳۰۰ میلیارد تومان) و استقراض از بانک مرکزی (۶۰۰ میلیارد تومان) جمع ۹۰۰ میلیارد تومان

چنانکه مشاهده می‌شود تمام موارد بالا در حکم استقراض است. منتهی منابع و نحوه دریافت وجوه متفاوت است. اگر در نظر بگیریم در اصل بودجه تصویبی برای سال جاری نیز دولت مبالغ معتناهایی از منابع مختلف استقراض کرده، آنگاه متوجه خواهیم شد وضع اقتصاد کشورمان تا چه حد نابسامان و نگران‌کننده است.

در سال‌های اخیر رسم چنین بوده که همواره آسان‌ترین و در دسترس‌ترین راه‌ها برای تأمین نیازهای مالی رو به تزاید دولت و شرکت‌ها و نهادهای تابعه آن انتخاب شود. بی‌آنکه عواقب دراز مدت این آسان‌گیری و خرج کردن از کیسه مردم در نظر گرفته شود. نتیجه آنکه اگر هم اکنون یک حسابرسی ملی انجام شود بی‌تردید به چنان حجمی از بدهی خواهیم رسید که کمترین تأثیر آن دچار شدن به دوآر

سراست!

البته بین شیوه عمل دولت کنونی با دولت‌های قبلی یک تفاوت وجود دارد و آن اینکه دولت‌های قبلی، و مخصوصاً دولت موسوم به سازندگی در این قبیل مواقع علاوه بر تمسک به انواع استقراض که خود نامی دیگر بر آنها می‌گذاشت، بر قیمت کالاها و خدمات دولتی می‌افزود، اما دولت کنونی از دست یازیدن به این قبیل افزایش قیمت‌ها آکراه دارد.

پرهیز دولت کنونی از افزایش متوالی قیمت کالاها و خدمات دولتی نمی‌تواند در اصل صورت مسأله بفرنجی به نام تورم لجام گسیخته تغییر ایجاد کند. تورم در سطحی خطرناک رو به افزایش است و قیمت کالاها و مصرفی مداوماً افزایش می‌یابد.

اقتصاددانان دولتی میزان تورم در سال جاری و تاکنون را حدود بیست درصد ذکر می‌کنند و با قاطعیت می‌گویند تأمین ۱۹ هزار میلیارد ریال کسری بودجه دولت نهایتاً سبب خواهد شد تورم در سال جاری از ۳۰ و یا نهایتاً ۳۵ درصد فراتر نرود.^(۲)

واقعیات کدام‌ها هستند...؟

بهای هر دلار در آغاز سال جاری در بازار بین ۴۳۰ تا ۴۵۰ تومان در نوسان بود. قبل از اعلام کسر بودجه هنگامت دولت به وسیله آقای دکتر نجفی، بهای هر دلار به ۶۳۰ و حتی ۶۵۰ تومان هم رسیده بود. بهای فروش ارز واریز نامه‌ای در بورس اوراق بهادار تهران نیز به همین نسبت افزایش یافته است. قیمت گوشت فرمز در همین مدت از هر کیلو ۱۱۰۰ تومان به ۱۹۰۰ تومان، گوشت مرغ از ۵۲۰ تومان به ۹۷۰ تومان و تخم مرغ از شانهای ۵۰۰ تا ۵۲۰

تومان به شانهای بیش از ۷۵۰ تومان افزایش یافته بود.

نرخ حیوانات و سایر نیازمندیهای غذایی مردم نیز کمابیش در همین حدود افزایش یافته است و اگرچه نرخ خدمات دولتی ثابت مانده، اما بهای عرضه خدمات به وسیله بخش خصوصی به میزان قابل توجهی بالا رفته است (البته نباید فراموش کرد مقارن با مصاحبه آقای دکتر نجفی نرخ بلیت پروازهای داخلی «هما» ۳۰ درصد افزایش یافت و شرکت اتوبوسرانی تهران نیز برنامه جایگزینی بلیت‌های ۱۰ تومانی به جای بلیت‌های ۵ تومانی را آغاز کرده بود.) می‌دانیم این تورم با رکود شدید و بیکاری گسترده همراه است. همراهی این سه آفت اقتصادی تا چه زمانی می‌تواند ادامه یابد؟

نکته عجیبی که در مورد اقتصاد ایران وجود دارد این است که این اقتصاد از نفس افتاده، از خود بسیار سخت جانی نشان می‌دهد. اما این پرسش هم مطرح است که این سخت جانی تا کی می‌تواند ادامه یابد؟

در چنین شرایطی، رئیس کنونی سازمان برنامه و بودجه برای حل مشکل مالی دولت راه حل‌هایی را پیش روی مجلس شورای اسلامی گذاشته که سلف وی هم می‌گذاشت (البته با برخی تفاوت‌های ظاهری!)
تأمین نیازهای مالی فوری دولت از طریق



بھی ترابر

شرکت حمل و نقل بین‌المللی

«با مسئولیت محدود»

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، بین ولیعصر و حافظ، شماره ۱۶۵، طبقه ۲، شماره ۷

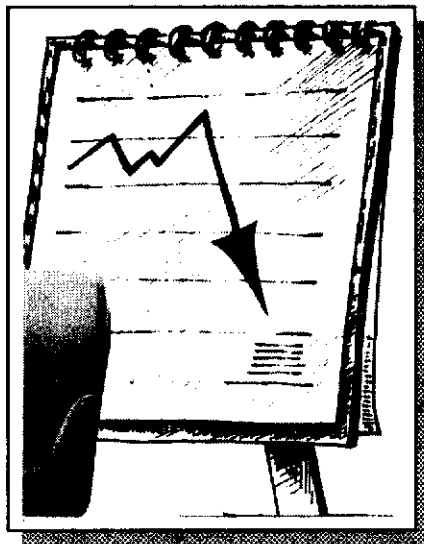
تلفن: ۶۴۰۷۱۳۸ - ۶۴۹۳۴۶۵ فاکس: ۶۴۰۶۶۷۸

به فراموشی سپرده شد. آیا سازمان برنامه و بودجه نمی‌توانست شرایط احیای این قانون را فراهم کند؟ و یا اگر مصلحت ایجاد می‌کند، با ارائه اصلاحیه‌ای به مجلس، زمینه‌ساز ایجاد شرایطی شود که قشر محدودی که بیشترین استفاده، و در مواردی سوء استفاده از ثروت‌های این کشور را کرده‌اند، در این شرایط دشوار اقتصادی اندکی از دیون خود را به خزانه دولت بپردازند؟

دولت آقای خاتمی باید به این نکته بسیار مهم توجه کند که استقراض از منابع خارجی و یا پیش فروش نفت علاوه بر آنکه با منافع ملی ما مغایر است، ثمری هم جز این ندارد که ما را بیشتر در غرقاب مشکلات اقتصادی فرو ببرد. این نوع استقراض برای تأمین نیازهای جاری است و نه سرمایه‌گذاری‌های مولد. اگر استقراض با هدف سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی اقتصاد باشد، شاید بتوان آن را توجیه کرد. اما استقراض برای تأمین هزینه‌های جاری و از جمله پرداخت حقوق‌ها هیچ توجیه عقلانی و منطقی ندارد.

هم‌اکنون اثرات سرمایه‌پذیری غیر منطقی و استقراض بی حساب و کتاب در چند کشور به ظاهر موفق (کره جنوبی - تایلند - مالزی و...) ظاهر شده است. این کشورها تا حدود زیادی زیرساخت‌های صنعت - کشاورزی و خدمات خود را بنا کرده بوده بودند، معهذاً چون خود را به دام سرمایه‌پذیری بی‌منطق و استقراض انداخته‌اند دچار بحران‌های مخربی شده‌اند. ما اشتباه آنان را تکرار نکنیم.

انتظار مردم از دولت فعلی این است که ضمن پرهیز از به‌کارگیری راه‌حلهایی که اثرات تخریبی آنها به کرات ثابت شده، هرچه زودتر برنامه‌های خود را برای سامان‌دهی اقتصاد کشور به اجرا بگذارد، و در این رهگذر بکوشد از نظریات و راه‌حلهایی بهره بگیرد که مختص همان گروهی نباشد که در ده ساله اخیر با اقتصاد کشورمان چون موش آزمایشگاهی رفتار کردند، و کار را به جایی کشاندند که اکنون شاهدیم.



از این دولت انتظار داریم راه‌حل‌های آزموده شده‌ای را که جنبه‌های تخریبی آنها اکنون برای همگان آشکار شده است، دوباره نیامد و خود و ملت را بیش از آنچه هست در غرقاب مشکلات فرو نبرد.

یک نکته بسیار آزاردهنده در طرح پیشنهادی سازمان برنامه و بودجه برای حل مشکل مادی دولت این است که در آن حتی اشاره‌ای به مهم‌ترین ابزار تأمین نیازهای مالی دولت و برقراری عدالت اجتماعی، یعنی مالیات نشده است.

آیا به واقع تمام مطالبات دولت بابت مالیات‌های معوق، آن هم نه مالیات‌های مربوط به کسبه جزء، بلکه مالیات‌های کلان سرمایه‌داران وصول شده است؟ و اگر نه، پس چرا نباید در این طرح اشاره شود که مثلاً یک هزارم کسری بودجه دولت از طریق تجهیز عوامل اجرایی وزارت دارائی برای وصول مالیات‌های معوق تأمین خواهد شد؟

پس از پایان جنگ تحمیلی، مجلس شورای اسلامی قانونی را تصویب کرد که به قانون مالیات تعاون ملی موسوم شد. این قانون از نادر قوانینی است که با در نظر گرفتن عدالت اجتماعی، سهم هر کس را برای تأمین نیازهای مالی دولت در راستای ترمیم خرابی‌های جنگ و بازسازی اقتصاد کشور تعیین کرده بود. و تا جایی که به خاطر داریم جداول این قانون چنان واقع بینانه تدوین شده بود که کمتر کارشناسی توانست به آن ایراد بگیرد.

این قانون چند صباحی به صورتی ناقص و توأم با غمض عین‌های آشکاری اجرا، و سپس

پیش فروش نفت، استقراض از خارج، استقراض از سیستم بانکی و پیش فروش خدمات انحصاری دولت با کدام یک از موازین اقتصادی سازگاری دارد؟ آیا جز این است که همه این راه‌حل‌ها بر بار تعهدات دولت (و در نهایت ملت ایران) می‌افزاید؟ دولت روزی به هر حال باید این تعهدات را بپردازد و آیا جز این است که دولت درآمدهای خود را عمدتاً از جیب مردم عادی تأمین می‌کند؟

مالیات تعاون ملی چه شد؟

این موضوع که رئیس کنونی سازمان برنامه و بودجه برای حل مشکلات مالی دولت همان راه‌حلهایی را پیشنهاد می‌کند که سلف وی می‌کرد، چندان هم تعجب‌آور نیست، زیرا ایشان هم جزو همان گروهی است که آش آزاد سازی اقتصاد را برای ملت ایران، و آن هم از روی دستور آشپزی صندوق بین‌المللی پول، پختند و با وعده قاقالی‌هایی چون رسیدن به خودکفائی در تولید گندم، تحقق یافتن سالی پنج میلیارد دلار صادرات غیر نفتی، حفظ ارزش پول ملی، ایجاد اشتغال برای همگان، متوقف کردن تورم و... به خورد مردم دادند. و چنانکه می‌دانیم این آش نه تنها شفابخش نبود، بلکه بر شدت بیماری هم افزود!

به راستی این کدام ضرورت و قانونمندی است که موجب شده بپذیریم پست‌های کلیدی اقتصادی (هم در رده برنامه‌ریزی و هم در رده اجرائی) بین اعضای یک گروه همسو دست به دست شود؟

رئیس کنونی سازمان برنامه و بودجه سالها وزیر آموزش و پرورش بوده است. باید مشخص شود ایشان در کدام یک از این دو مسئولیت تخصص دارد؟ در سامان‌دهی آموزش و پرورش یا در برنامه‌ریزی برای اقتصاد به شدت بیمار یک کشور؟

همین پرسش طنزآمیز نشان می‌دهد نحوه نگرش به مقوله کاملاً تخصصی اقتصاد چگونه است. بر این اساس می‌توان چنین فرض کرد که داشتن تخصص و صلاحیت برای تصدی پست‌های حساس برنامه‌ریزی و اجرائی در زمینه‌های مختلف اقتصادی شرط اصلی نیست. بلکه شروط اصلی این است که نخست جزو گروهی ویژه باشی، و سپس هرچه را قرار است اجرا شود، بدون چون و چرا اجرا کنی.

دولت کنونی با تنگناهایی مواجه است که نمی‌توان در واقعیت وجودی آنها تردید کرد. اما

۱- روزنامه سلام ۷۷/۷/۱۳

۲- آقای دکتر قنبری عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس گفته است: «استقراض دولت از بانک مرکزی تورم را تا پایان سال به ۳۰ درصد می‌رساند» - رسالت ۷۷/۷/۱۳ این یک برآورد خوش‌بینانه است و ما آرزو می‌کنیم همین برآورد تحقق یابد!